

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۳/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۴/۳۱

تأملی درباره

امتداد فعالیت دوره دوم مجلس و انحلال آن

علی رضا ملائی توانی

دانشیار پژوهشکده تاریخ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

مجلس دوم در واپسین روزهای فعالیت خود و با توجه به شرایط خاص کشور، تصمیم گرفت، تا زمان گشایش مجلس سوم به فعالیت خود ادامه دهد اما ناگهان بحران بزرگ‌تری بر کشور سایه انداخت و آن اولتیماتوم ۱۹۱۱ م./ ۱۲۹۰ هـ.ش. روسیه به ایران بود که همه معادلات سیاسی و دیپلماتیک کشور را به هم ریخت و فعالیت مجلس را از مسیر عادی و متعارف خود خارج ساخت. بنابراین مجلس دوم به‌رغم تصویب امتداد دوره فعالیتش، بر سر یک دوراهی دشوار قرار گرفت که آیا اولتیماتوم را بپذیرد و به ننگ پایمال کردن استقلال کشور تن دهد و یا در برابر آن مقاومت کند؟ مجلس، راه دوم را برگزید و بدین ترتیب در تضاد با خط مشی دولت و شخص نایب‌السلطنه که مدافع پذیرش اولتیماتوم بودند، قرار گرفت و در نتیجه حدود چهل روز پس از تصویب امتداد دوره فعالیت خود، در پی تشکیل جلسه شورای عالی دربار، منحل شد. با توجه به آنچه گفته شد، مسئله، این است که چرا مجلس به استمرار دوره نمایندگی خود رأی داد؟ آیا انحلال آن و جاهت قانونی داشت یا یک کودتا بود؟ این مقاله با رویکرد توصیفی - تبیینی می‌کوشد تا علل و انگیزه‌های استمرار دوره نمایندگی مجلس و نیز انحلال آن را به گفت‌وگو بگذارد.

کلیدواژه‌ها: مجلس دوم، اولتیماتوم، انحلال مجلس، کودتا، مجلس عالی دربار.

پیش از پاسخ به هر پرسشی باید ببینیم که دوره قانونی فعالیت مجلس از چه زمانی آغاز شد و چه زمانی پایان گرفت. براساس مشروح مذاکرات مجلس، دوره قانونی فعالیت مجلس دوم، روز دوم ذی‌قعدة ۱۳۲۷/۲۴ آبان ۱۲۸۸ آغاز شد و طبقاً باید در دوازدهم ذی‌قعدة ۱۳۲۹/۲۴ آبان ۱۲۹۰ (با محاسبه سال شمسی) یعنی در انتهای جلسه سیصد و هفدهم به پایان می‌رسید اما بررسی مشروح مذاکرات نشان می‌دهد که در این جلسه، مبحث ناتمام‌مانده قانون شرکت‌های تجاری، محل بحث مجلس بوده و هیچ اشاره‌ای از سوی هیچ یک از نمایندگان مجلس به موضوع پایان یافتن دوره دوم مجلس نشده است. تنها در انتهای جلسه ۳۱۸ یعنی روز سه‌شنبه پانزدهم ذی‌قعدة ۱۳۲۹/۱۶ آبان ۱۲۹۰ رئیس مجلس به مسئله انقضای دوره نمایندگی مجلس اشاره کرده و گفت: چون معلوم نیست که چند جلسه به آخر دوره تقنینیه مجلس، باقی است، آقایان برای جلسه بعدی قدری زودتر تشریف بیاورند.^۱

اما مجلس در جلسه ۳۱۹ مطابق با ۱۷ ذی‌قعدة/۱۴ آبان بدون بحث درباره پایان یافتن دوره قانونی فعالیت خود هم‌چنان به بررسی موضوع قانون شرکت‌های تجاری ادامه داد و در انتهای جلسه، بار دیگر سخن از تمدید دوره مجلس به میان آمد. ظاهراً از مذاکرات مجلس چنین برمی‌آید که نمایندگان مجلس همین جلسه را موعد قانونی انقضای مجلس دوم تلقی کرده‌اند.^۲

از همین رو، مجلس دوم در نشست‌های ۳۲۰ (شنبه ۱۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۹/۲۰ آبان ۱۲۹۰) و ۳۲۱ (یکشنبه ۲۰ ذی‌قعدة/۲۱ آبان ۱۲۹۰) و ۳۲۲ (دوشنبه ۲۱ ذی‌قعدة/۲۲ آبان ۱۲۹۰) مسئله استمرار دوره نمایندگی را به گفت‌وگو نهاد و پس از بحث‌های مفصل و طرح استدلال‌های سیاسی و حقوقی نمایندگان موافق و مخالف، نهایتاً به تمدید دوره نمایندگی مجلس تا ورود نصف به‌علاوه یک نمایندگان دوره سوم قانون‌گذاری رأی مثبت داد اما حدود چهل روز بعد بدون آنکه انتخابات مجلس سوم برگزار شود، نایب‌السلطنه (ناصرالملک) و صمصام‌السلطنه رئیس کابینه، مجلس را منحل کردند.

بنابراین یکی دیگر از مسائل بحث‌انگیز درباره مجلس دوم، این است که آیا امتداد دوره نمایندگی مجلس مبنای حقوقی و سیاسی داشت، یعنی اقدام نمایندگان مجلس در افزایش دوره نمایندگی مجلس اقدامی قانونی بود و اگر قانونی بود چرا مجلس چهل روز بعد منحل شد؟ آیا انحلال مجلس دوم به مثابه یک کودتا بود یا یک اقدام قانونی؟ بدیهی است پاسخ به این پرسش‌ها نیازمند یک بحث حقوقی مستقل است که از توان و تخصص نگارنده بیرون است. لذا این مقاله چندان درصدد تبیین حقوقی مسئله انحلال مجلس دوم نیست بلکه می‌کوشد به انگیزه‌های سیاسی آن توجه کند؛ هرچند توجه به انگیزه‌های سیاسی نمی‌تواند جدای از مسائل حقوقی مورد بحث قرار گیرد. بنابراین، مقاله پیش رو درصدد است به این قبیل پرسش‌ها پاسخ گوید که چرا مجلس به امتداد دوره نمایندگی خود رأی داد؟ علل و انگیزه‌های این اقدام چه بود؟ نگاه فعالان سیاسی به این مسئله چگونه بود؟ موضوع انحلال مجلس در منابع تاریخی چگونه

۱. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دوم، جلسه ۳۱۸.

۲. همان؛ جلسه ۳۱۹.

منعکس شده است؟ سازوکار انحلال مجلس چه بود و از چه قاعده‌ای پیروی می‌کرد؟ اصلی‌ترین انگیزهٔ انحلال مجلس چه بود؟ آیا اگر اولتیماتوم رخ نمی‌داد باز هم مجلس بسته می‌شد؟

تصمیم‌گیری برای ادامهٔ کار مجلس دوم؛ انگیزه‌ها و اهداف

ابتدا باید به این پرسش مهم پاسخ گفت که اساساً اندیشهٔ افزایش دورهٔ نمایندگی مجلس از کجا برخاست و انگیزه‌های اصلی آن چه بود؟ آیا این اندیشه، زائیدهٔ شرایط خاص ناشی از اولتیماتوم بود یا پیش از آن نمایندگان به این جمع‌بندی رسیده بودند؟ مشروح مذاکرات مجلس نشان می‌دهد که نمایندگان از جلسهٔ ۳۱۹ به مسئلهٔ امتداد دورهٔ نمایندگی می‌اندیشیده‌اند و به طور مشخص جلسه‌های ۳۲۰، ۳۲۱ و ۳۲۲ را به این مسئله اختصاص داده‌اند.

چون مسئلهٔ امتداد دورهٔ نمایندگی از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار بود، مجلس مقرر کرد که جلسهٔ ۳۲۰ خود را با حضور کابینه برگزار کند. پس از ورود وزیران ابتدا گزارش کمیسیون عرایض خوانده شد و سپس بحث دربارهٔ استمرار دورهٔ نمایندگی آغاز گردید. رئیس مجلس با اشاره به انبوه تلگراف‌های ارسال شده به مجلس گفت که این تلگراف‌ها هم تقاضای انجمن‌ها و هم تقاضای اهالی دربارهٔ ابقای مجلس است. سپس به عنوان نمونه، تلگراف انجمن‌های قم، تبریز، مشهد، سمنان و تهران خوانده شد که همهٔ آن‌ها بر این مسئله تأکید داشتند که به علت بحران‌های موجود در کشور، نبود پارلمان اسباب مخاطرات بزرگی خواهد شد لذا از مجلس و هیئت وزرا و نیابت سلطنت درخواست شد تا زمان انتخابات مجلس سوم و ورود نصف به‌علاوهٔ یک نمایندگان پارلمان آتی در پایتخت، نمایندگان حاضر را به وکالت شناخته و مجلس همچنان برقرار باشد.^۱ پس از قرائت چند تلگراف، رئیس مجلس، قرائت تلگراف‌ها را کافی دانست و پیشنهاد کرد تا در خصوص امتداد مجلس، یک مادهٔ قانونی تهیه و به رأی گذاشته شود. رئیس‌الوزرا که در مجلس حاضر بود نیز موافقت کرد؛ او گفت، نظر شخصی‌اش این است که:

مجلس تا چندی لازم است و باید باشد تا کابینهٔ وزرا را تشکیل بکنیم؛ آن وقت نظریات خودمان را باز عرض خواهیم کرد.^۲

پس از آن، گفت‌وگو میان مخالفان و موافقان امتداد دورهٔ نمایندگی مجلس در گرفت. به طور کلی اهم استدلال مخالفان طرح، این بود:

موضوع امتداد دورهٔ نمایندگی با قانون اساسی مغایرت دارد. تلگراف‌های ارسال شده، ناکافی است و تلگراف‌کنندگان، نمایندگان واقعی مردم نیستند. با تعطیلی موقت مجلس، اساس مشروعیت به هم نمی‌خورد ولی امتداد دورهٔ نمایندگی در سایر نظام‌های دموکراسی سابقه ندارد. تمدید یکی دو روزهٔ دورهٔ مجلس جهت رأی اعتماد به کابینه، بهتر از تمدید درازمدت آن است. مشروطه را ملت حفظ می‌کند و معقول نیست گفته شود یک جمع ۶۰-۷۰ نفری نمایندگان مجلس، پاسبان مشروعیت‌اند و اساساً وجود مجلس هیچ مداخلیتی در حفظ اساس مشروعیت ندارد؛ مجلس را حداکثر به عنوان مشاوره و نظارت می‌توان امتداد داد نه به عنوان دورهٔ قانون‌گذاری و ...

۱. همان؛ جلسهٔ ۳۲۰.

۲. همانجا.

نمایندگان موافق با مخاطره‌آمیز خواندن شرایط کشور و بیان نگرانی‌های ناشی از انفصال مجلس، بر این نکته تأکید می‌کردند که به موجب قانون اساسی، اصل مشروطیت، تعطیل‌شدنی نیست. آن‌ها مغایرت با قانون اساسی را به استناد نقض و تفسیر چند اصل از قانون اساسی که قبلاً توسط انجمن آذربایجان به نمایندگی از همه انجمن‌ها انجام شده بود، مانند افزایش تعداد نمایندگان و اختیاری که انجمن‌ها به مجلس درباره قانون انتخابات داده بودند، قانونی می‌شمردند. آن‌ها با برشمردن مصادیق و شرح سابقه امتداد نمایندگی در سایر پارلمان‌های دنیا، بر این نکته تأکید می‌کردند که تلگراف‌های ارسالی از سوی آگاه‌ترین اقشار کشور و نمایندگان ملت در شهرها ارسال شده است و اگر از سایر ولایت‌ها ارسال نشده، به علت وجود عوامل ارتجاع است و دولت می‌تواند این امر را استمزاج کند زیرا چندین برابر تلگراف‌های ارسال شده به مجلس، به دولت فرستاده شده است. آن‌ها همچنین انفصال مجلس را به معنای تزلزل مشروطه و بقای کشور را در گرو تداوم مشروطه می‌شمردند و معتقد بودند که بقای کشور، مهم‌تر از قانون اساسی (به فرض نقض آن) است. به زعم ایشان، مطابق با نظام‌نامه انتخابات، مجلس می‌تواند هرگونه قانونی حتی امتداد دوره نمایندگی را وضع کند. اینکه مجلس تحت عنوان مشاوره و نظارت، امتداد یابد و قانون‌گذاری نکند، نقض غرض است و منافع حاصل از آن، عاید کشور نمی‌شود. اصل چهارم که راجع به مدت دوساله نمایندگی است، با طرح امتداد مجلس دوم تعارضی ندارد زیرا مجلس نمی‌خواهد خود را تجدید کند بلکه می‌خواهد اندکی دوره را امتداد دهد.^۱

سرانجام پس از بحث و گفت‌وگوهای مفصل در اواخر جلسه سه‌شنبه ۲۰ ذی‌قعدة ۱۳۲۹ / ۲۱ آبان ۱۲۹۰ مقرر شد که موضوع به کمیسیون تفسیر و معارف احاله شود تا ایشان در این خصوص، متنی تهیه و به مجلس ارائه کنند. در همین جلسه، نامه ناصرالملک مبنی بر ضرورت رأی اعتماد فوری به کابینه قرائت شد. هم‌چنین نامه دیگر ناصرالملک خطاب به مجلس مبنی بر دست کشیدن از اختلاف‌های حزبی در شرایط بحرانی موجود خوانده شد. وی در این نامه، به نمایندگان هشدار داد که اگر توصیه‌های او را جدی نگیرند، ناگزیر به علت کسالت مزاج، از نیابت سلطنت استعفا خواهد داد.^۲ در همین جلسه پیشنهاد شد که یک ماده قانونی به قانون انتخابات الحاق شود که در اواخر هر دوره، هرگاه نمایندگان احساس کردند که در مدت تعطیلی و زمان فترت مجلس اشکالی پیش خواهد آمد، حق داشته باشند با اکثریت یا به اتفاق آراء، مجلس تا رسیدن نصف به‌علاوه یک نمایندگان دوره بعدی امتداد پیدا کند که رأی نیابور.^۳ سرانجام کمیسیون مزبور روز دوشنبه ۲۱ ذی‌قعدة / ۲۲ آبان ۱۲۹۰ پس از مشاوره طولانی دو ماده ذیل را به مجلس شورای ملی پیشنهاد نمود:

ماده اول- بنابراین که از طرف ملت در پایتخت و نقاط مهمه دیگر، تقاضای عدیده تلگرافی و کتبی برای امتداد مدت مجلس شورای ملی رسیده و تقاضای خود را مبتنی بر این دلایل نموده و اقدامات مرتجعین و دشمنان استقلال مملکت و اساس مشروطیت هنوز کاملاً مرتفع نشده و مختل است که در بهار آینده نیز مشکلاتی برای دولت و مملکت پیش آید و تهیه جلوگیری از مشکلات مزبوره، منتهای ضرورت و فوریت را

۱. نک: همان؛ جلسه‌های ۳۲۰ و ۳۲۱.

۲. روزنامه مجلس (مورخ سه‌شنبه ۲۲ ذی‌قعدة ۱۳۲۹).

۳. همانجا.

دارد و ممکن است انتخاب نمایندگان جدید به تعویق افتد و در این ایام، مسافرت هم برای دولت مشکلاتی ظهور کند. به ملاحظهٔ اینکه مجلس شورای ملی هم این احساس را کرده و آن اظهارات را تصدیق دارد، علی‌هذا تا موقعی که مجلس آینده تشکیل قانونی یافته و نصف به‌علاوهٔ یک از کلیهٔ نمایندگان ملت در پایتخت حاضر شوند، مجلس شورای ملی کماکان امتداد می‌یابد.

مادهٔ ۲- برای آنکه حتی‌الامکان امتداد مجلس حالیه به طول بینجامد، از طرف ریاست مجلس شورای ملی و هیئت وزرا به عموم انجمن‌های ایالتی و ولایتی و حکام و سایر مقامات لازمه، مراتب فوق اطلاع داده شده و در تسریع انتخابات جدید و اعزام نمایندگان هر محل تأکید خواهد شد.

در این جلسه هم‌چنین پیشنهاد شد که مجلس به مدت سه ماه تمدید شود. پیشنهادکنندگان معتقد بودند که اگر زمان (سه ماه) را در نظر نگیرند، ممکن است در برگزاری انتخابات تعلل گردد. اما این پیشنهاد نیز رد شد زیرا به زعم نمایندگان، ممکن بود انتخابات زودتر از سه ماه بعد برگزار شود. پیشنهاد دیگر این بود که مجلس در دورهٔ تمدید فعالیتش تنها به نقش مشورتی و نظارتی اکتفا کند و هرگز قانون‌گذاری نکند اما این پیشنهاد نیز به علت آنکه نقض غرض بود و با فلسفهٔ وجودی مجلس و فایده‌ای که از آن مدنظر بود، مغایرت داشت، رأی نیاورد. سرانجام دربارهٔ دو مادهٔ پیشنهادی رأی‌گیری شد که مادهٔ اول از ۶۹ رأی موجود با ۴۶ رأی موافق در برابر ۶ رأی مخالف و ۱۷ رأی ممتنع به تصویب رسید و مادهٔ دوم نیز با اندکی مباحثه از تصویب گذشت.^۱

تحلیل مذاکرات مجلس دربارهٔ امتداد دوره

آیا مجلس برای ادامهٔ کار خود استدلال حقوقی ارائه داد یا استدلال سیاسی؟ مبانی این استدلال چه بود؟ تردیدی نیست که بحث‌های مطرح شده در مجلس، چه از سوی مخالفان و چه از سوی موافقان، هم ماهیت سیاسی داشت و هم حقوقی. بنابراین برای روشن شدن این امر به هر دو وجه آن خواهیم پرداخت:

الف) دلایل سیاسی امتداد دورهٔ نمایندگی مجلس

واقعیت این است که فضای کلی مجلس و احساسات عمومی و نیز تمایل نایب‌السلطنه و دولت، همگی نشانگر تمایل به امتداد بود. برای فهم حقیقت این ماجرا باید به اوضاع سیاسی بسیار خطیر کشور توجه کرد. اندکی پیش از این، محمدعلی شاه مخلوع با پشتیبانی مستقیم دولت روسیه و سکوت دولت انگلیس به انگیزهٔ براندازی مجلس و مشروطه به ایران لشکر کشید و برادرانش سالارالدوله و شجاع‌السلطنه به او پیوستند و مشروطیت را با بحرانی بزرگ مواجه ساختند. محمدعلی میرزا که هرگز رابطه‌اش را با هواداران داخلی خود نگسسته بود، در تابستان ۱۲۸۹ در اندیشهٔ بازگشت به ایران افتاد. او در زمستان ۱۲۸۹ با سفر به چند کشور اروپایی و دیدار با هواداران تبعیدی خود، به‌ویژه برادرانش شجاع‌السلطنه و سالارالدوله در وین، به طرح عملیات نظامی در ایران برای تصاحب دوبارهٔ تاج و تخت پرداخت.

مجلل‌السلطان پیشخدمت سابق او ایلات شاهسون را به طغیان واداشت. تاراج روستاها و آبادی‌ها آغاز شد. صمدخان شجاع‌الدوله حاکم مراغه از فرمان دولت سرپیچید. خان‌های مقتدر مازندران مانند امیرمؤید سوادکوهی و محمدخان امیرمکرم از وی جانبداری کردند و قزاقان در همه‌جا به اردوی شاه پیوستند. گفته

۱. نک: روزنامهٔ مجلس (مورخ دوشنبه ۲۱ ذی‌قعدة ۱۳۲۹).

می‌شود در مشهد به تحریک روس‌ها شورش‌هایی در هواداری از محمدعلی میرزا رخ داد و پایتخت در وضعیت نگران‌کننده‌ای قرار گرفت. دولت حقوق وی را قطع کرد، اما تحت فشار روس و انگلیس ناگزیر به پرداخت آن شد که این امر، هزینه لشگرکشی او را تا حدی فراهم کرد.^۱

محمدعلی میرزا در ۲۶ تیر ۱۲۹۰ وارد گمیش‌تپه در ترکمن صحرا شد؛ جایی که پیش‌تر محل اقامت ایل قاجار بود و او قصد داشت بازماندگان ایل و متحدان سنتی آن را با خود همراه سازد. وی با مهماتی که به همراه داشت، از ایلات ترکمن نیرویی فراهم ساخت. در پایتخت به علت قهر سپهدار و رهسپار شدن وی به رشت، سررشته کارها از هم گسیخته بود. از همین رو، کسروی این رفتار سپهدار را، در پیوند با محمدعلی میرزا و هواداری از وی تلقی کرده است.^۲ سرانجام با کناره‌گیری او صمصام‌السلطنه دولت جدید را تشکیل داد و وزارت جنگ را خود رأساً در اختیار گرفت. البته سپهدار عدم تمایل خود را به ادامه کار به بختیاری‌ها نسبت داد و ایشان را هوادار سلطنت عشایری خواند که با اسباب‌چینی مانع از ساماندهی امور می‌شوند.^۳

خودسری شاه سابق، نشانگر هماهنگی او با دولت‌های روس و انگلیس بود زیرا در این زمان، مجلس اکثریتی یافته و از بی‌نظمی اولیه رها شده بود؛ ماجراجویان آرام گرفته و اسلحه بر زمین نهاده بودند؛ امور اقتصادی به همت شوستر سروسامان گرفته بود و به نظر می‌رسید که با تلاش‌های یالمارسن به‌زودی ژاندارمری نیز سازمان یابد و زمینه استقلال کشور فراهم آید و این به زبان دو کشور روس و انگلیس بود که ایران را در حالت وابستگی می‌خواستند.

شاه و برادرانش از سه منطقه به کشور حمله‌ور شدند؛ سالارالدوله - برادر و رقیب پیشین شاه - از جانب کردستان که در زمان پدرش حکمران آن دیار بود. وی به همراه تعدادی از کردها و لرها به سوی تهران تاخت؛ دسته دوم به فرماندهی علی‌خان ارشدالدوله به همراه ترکمن‌ها از راه استرآباد و شاهرود به تهران گسیل شد و دسته سوم که شاه در رأس آن بود، از سوی شمال و دماوند به سوی تهران حمله کرد. شاه سابق برای پیشبرد این نقشه، دستخط‌هایی نگاشت و با وعده‌های فراوان سران ایلات و عشایر را به همراهی فراخواند.

مجلس برای مرعوب نمودن شاه و هوادارانش دو قانون تصویب کرد که در شکست اردوی شاه مؤثر افتاد: نخست، قانون حکومت نظامی که به موجب آن، دولت حق داشت اشخاص مظنون به هواداری از شاه و کسانی که برضد حکومت ملی قیام نموده‌اند را توقیف و پس از اثبات جرم، مجازات کند و دوم، قانونی که به موجب آن، هرکس محمدعلی میرزا را دستگیر و اعدام نماید، یکصد هزار تومان و کسانی که

۱. کسروی، احمد، تاریخ هجده ساله آذربایجان (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱)؛ ص ۱۶۷.

۲. همان؛ ص ۱۶۸.

۳. تنکابنی، محمدولی‌خان، یادداشت‌های محمدولی‌خان تنکابنی (سپهسالار اعظم)، به تصحیح اللهیار خلعتبری و فضل‌الله ایرجی

کجوری (تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷)؛ صص ۲۹۸-۲۹۷.

شعاع‌السلطنه و سالارالدوله را دستگیر و اعدام کند، به ازای هریک، مبلغ بیست و پنج هزار تومان جایزه دریافت خواهد کرد.^۱

دولت در برابر این هجوم سه‌سویه، هیچ نیروی منظم و نیرومندی در اختیار نداشت. لذا به مسلح کردن مجاهدان سابق که تهران را فتح کرده بودند و تعدادی داوطلب و نیز نیروهای بختیاری روی آورد و به زحمت توانست ایشان را دفع کند.^۲

از پیامدهای اقدام محمدعلی میرزا و برادرانش، آشفتگی امور تازه سامان یافته بود. هرچند دولت به رؤسای مالیه در مناطق جنگی دستور داد تا به محض ورود قوای متخاصم اوراق و اسناد و مهرهای مالی را برداشته و عقب بنشینند اما نیروهای مهاجم توانستند با قبض‌های غیررسمی و امضاهای نامعلوم، به‌زور، از مالیات‌دهندگان مالیات دریافت دارند و این سبب شد که انتظام مالی مناطقی که بر سر راه مهاجمان بود، از میان برود. وعده و وعیدهای شاه سابق و تلاش‌های خودکامگان وابسته به او و نیز شایعات، بر دامنهٔ این آشفتگی‌ها افزود. لزوم ساماندهی مالی جنگ، موجب شد که شوستر درگیر کارهایی غیر از امور مالیه شود و کارهای مالی به تعویق افتد.^۳

درست زمانی که دولت و مجلس در تدارک نبرد با شاه سابق بودند، کنسولگری‌های روسیه در سراسر کشور، با ایجاد وحشت بین مشروطه‌خواهان، به تقویت مستبدان داخلی و تدارک ساز و برگ جنگی برای آن‌ها و نیز مسلح کردن اشرار پرداختند.^۴ با حمایت از شورش داراب میرزا و یاغی‌گری‌های رحیم‌خان در آذربایجان، هزینه‌های فراوانی بر مشروطه‌خواهان تحمیل شد.

زمانی که وزیر خارجهٔ ایران، حسین‌قلی‌خان نواب، در اعتراض به تماس‌های محمدعلی میرزا با قبایل شمال خراسان موضوع قطع مستمری وی را به سفارت روس و انگلیس یادآور شد، سفارت روس ضمن وصول مستمری شاه از وزیر خارجه از وی خواست تا به خاطر توهین به نمایندهٔ کنسول روسیه در کاشان، از او عذرخواهی کند. نواب که قادر به تحمل این تحقیر نبود، استعفا کرد و بدین ترتیب، ایران یکی از رجال توانا و میهن‌دوست خود را از دست داد.^۵

بدیهی است اگر انتخابات تجدید می‌شد، مرتجعان با توجه به نقشه‌ها و محاسبات خود، در حرکتی خرنده، کرسی‌های مجلس را با تقلب و اعمال نفوذ و پشتیبانی دولت‌های روس و انگلیس به اشغال خود در می‌آوردند؛ این حقیقتی بود که تقریباً همهٔ فعالان سیاسی به آن واقف بودند. با اقدام مجلس، این توطئه خنثی شد و در نتیجه، تنها راه باقی مانده، از نگاه روسیه، انحلال مجلس بود که اندکی بعد به اجرا در آمد.

۱. نک: مشروح مذاکرات، سوم شعبان ۱۳۲۹؛ جلسهٔ ۲۷۹ و نیز نک: مجموعه قوانین و مقررات عصر مشروطه (تهران: روزنامهٔ رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸)؛ ص ۱۶۴ و همچنین ملک‌زاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۶ (تهران: علمی، ۱۳۷۱)؛ صص ۱۳۹۱-۱۳۹۰.

۲. مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دورهٔ قاجاریه (تهران: زوآر، ۱۳۷۱)؛ ص ۳۵۵.

۳. همان؛ ج ۲، صص ۳۵۷-۳۵۶.

۴. ملک‌زاده، همان؛ ص ۱۳۹۱.

۵. آوری، پیترو، تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقراض سلسلهٔ قاجاریه، ترجمهٔ محمد رفیعی‌مهرآبادی، ج ۱ (تهران: عطایی، ۱۳۷۹)، چاپ پنجم؛ ص ۲۷۱.

ب) دلایل حقوقی امتداد دوره نمایندگی مجلس

تردید نیست که مجلس برای امتداد دوره نمایندگی‌اش افزون بر دلایل سیاسی در راستای یافتن یک محمل حقوقی بود. مخالفان، با استناد به قانون اساسی، معتقد بودند که مجلس قانوناً بدون مراجعه به آراء عمومی نمی‌تواند به امتداد خود رأی دهد و توسل به آن، به معنای نقض قانون اساسی است و قرار شد در تأیید امتداد مجلس، به سابقه کمیسیون انتخابات مراجعه شود. در این بررسی روشن شد که قبلاً برحسب ضرورت، مواد ۴، ۵، ۶ و ۴۹ قانون اساسی برای انجام انتخابات، جرح و تعدیل و یا به عبارتی تفسیر یا نقض است و برای انجام این تفسیر به انجمن‌های ایالتی مراجعه شده بود و آن‌ها نیز به مجلس اختیار داده بودند که در جرح و تعدیل قانون انتخابات آزاد باشد.

براساس اصل پنجم قانون اساسی:

منتخبین از برای دو سال تمام انتخاب می‌شوند و ابتدای این مدت، از روزی است که منتخبین ولایات تماماً در طهران حاضر خواهند شد. پس از انقضای مدت دو سال باید نمایندگان مجدداً انتخاب شوند و مردم مختارند هریک از منتخبین سابق را که بخواهند و از آن‌ها راضی باشند، دوباره انتخاب کنند.

در حالی که رویه مجلس، این بود که معمولاً با ورود نصف به‌علاوه یک، رسمیت می‌یافت و آغاز به کار می‌کرد و همین تاریخ، مبنای آغاز دوره فعالیت مجلس محسوب می‌شد؛ حال آنکه نمایندگان ولایات، ممکن بود چند ماه بعد وارد مجلس شوند. بنابراین اگر ورود آخرین گروه از نمایندگان ولایات را مبنا قرار دهیم، به لحاظ حقوقی مجلس می‌توانست با محاسبه این زمان به صورت قانونی استمرار بیابد. افزون بر این، به موجب اصل هشتم قانون اساسی مشروطه:

مدت تعطیل و زمان اشتغال مجلس شورای ملی بر طبق نظام‌نامه داخلی مجلس به تشخیص خود مجلس است و پس از تعطیل تابستان باید مجلس از چهاردهم میزان که مطابق جشن افتتاح اول مجلس است، مفتوح و مشغول کار شود.

بنابراین آراء مخالفان تأثیری نبخشید و مجلس با عنایت به موافقت دولت و نایب‌السلطنه و درخواست انجمن‌ها و نیز با عنایت به مخاطرات پیش روی کشور، تصمیم به تمدید گرفت و مجلسیان عمدتاً معتقد بودند مرتجعان منتظرند تا مجلس منفصل شود و عوامل خود را به انتخابات راه دهند. بنابراین این سخن عبدالله مستوفی پذیرفته نیست که اقلیت مجلس در راه تمدید دوره نمایندگی مجلس بسیار کوشید ولی اکثریت مجلس با این نظر مخالف بود لذا غیر از پیشنهاددهندگان کسی از این طرح پشتیبانی نکرد و مجلس خود به خود تعطیل شد.^۱ اگر وی به مشروح سخنان مجلس رجوع می‌کرد، درمی‌یافت که مجلس با اکثریت اعضا به تمدید دوره رأی داده بود.

به لحاظ سیاسی استدلال موافقان این بود که در وضع بحران‌آمیز کشور و هیجانی که در ایالات وجود دارد، فقدان مجلس به زیان کشور است و برگزاری انتخابات نیز ممکن است هیجان و بحران دیگری پدید آورد^۲ زیرا در اواخر دوره دوم مجلس، نفوذ روسیه به اوج خود رسیده بود و قوای نظامی آن کشور، در

۱. مستوفی، همان؛ ص ۳۶۰.

۲. همان، ص ۳۶۰.

همه‌جا حضور داشتند لذا انتخابات دورهٔ سوم اگر جریان می‌یافت قطعاً به واسطهٔ نفوذ روسیه نمی‌توانست از مداخلهٔ آن‌ها مصون بماند.^۱

جهت‌گیری مجلس و نطق‌های نمایندگان نشان می‌داد که مخالفان ادامهٔ کار مجلس عمدتاً از اعتدالیون بودند که سرانجام رأی مخالف و ممتنع دادند. البته برخی از اعتدالیون نیز همچون دموکرات‌ها از این ایده دفاع کردند.^۲ به اعتقاد دموکرات‌ها با صدور فرمان انتخابات، منتخبان ملت اگر همان نمایندگان پیشین بودند، به فعالیت خود ادامه می‌دادند و اگر نمایندگان تازه بودند، جایگزین نمایندگان پیشین می‌شدند تا وقفه‌ای در کار مجلس پدید نیاید. با همین استدلال بود که مجلس به بقای خود تا ورود نصف به‌علاوهٔ یک نمایندگان جدید رأی داد و آن را تصویب نمود.^۳ بنابراین این روایت دولت‌آبادی که نمایندگان به علت شرایط اضطراری کشور که در پی اولتیماتوم روسیه رخ داد، صلاح دانستند مدت نمایندگی‌شان افزایش یابد تا مملکت در وضعیت متعادل و آرام قرار گیرد، صحیح به نظر نمی‌رسد.^۴ مشابه همین سخن را سهراب یزدانی نیز تکرار کرده است. ایشان معتقد است که در آغاز، نمایندگان مجلس دربارهٔ امتداد دورهٔ نمایندگی به نتیجه نرسیدند اما پس از اعلام اولتیماتوم روسیه، مجلس تصمیم گرفت که تا زمان تشکیل مجلس سوم به کار خود ادامه دهد.^۵ در حالی که مجلس حدود ۱۷ روز پیش از طرح اولتیماتوم یعنی در ۲۱ ذی‌قعدة/ ۲۲ آبان در این باره به رأی نهایی رسیده بود و اولتیماتوم پس از آن واصل شد.

اولتیماتوم روسیه؛ پیچیده شدن اوضاع و انحلال مجلس

حدود ۱۷ روز پس از تمدید دورهٔ نمایندگی مجلس، دولت روسیه روز چهارشنبه ۷ آذر ۱۲۹۰ در اولتیماتومی شدید از ایران خواست:

۱. فوراً به خدمت شوستر و لکفر^۶ پایان دهد؛
 ۲. از این پس بدون رضایت روس و انگلیس، از هیچ دولت خارجی مستشار استخدام نکند؛
 ۳. مخارج قشون‌کشی روسیه به خاک ایران را پرداخت کند؛
 ۴. روسیه در اجرای اولتیماتوم مزبور بیش از ۴۸ ساعت صبر نخواهد کرد؛
- و اگر ظرف این مدت، پاسخ رضایت‌بخشی دریافت نشود، نیروهای روسیه به پیشروی خود ادامه خواهند داد و بدیهی است که موضوع غرامت ایران به روسیه افزایش خواهد یافت.^۷

۱. مکی، حسین، مدرس، قهرمان آزادی، ج ۱ (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۸)؛ صص ۱۰۳-۱۰۲.

۲. برای اطلاع بیشتر، نک: مشروح مذاکرات مجلس، جلسه‌های ۳۲۰، ۳۲۱ و ۳۲۲.

۳. کاتوزیان تهرانی، محمدعلی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، با مقدمهٔ ناصر کاتوزیان (تهران: انتشار، ۱۳۷۹)؛ صص ۸۱۴-۸۱۳.

۴. دولت‌آبادی، یحیی، حیات یحیی، ج ۳ (تهران: عطار و فردوسی، ۱۳۶۲)؛ ص ۱۹۷.

۵. یزدانی، سهراب، مجاهدان مشروطه (تهران: نی، ۱۳۸۸)؛ ص ۲۶۵.

۶. لکفر از سوی شوستر، مأمور تفتیش و نظارت مالی تبریز بود که هم زبان فارسی می‌دانست و هم مدت‌ها در تبریز زندگی کرده بود.

۷. آوری، همان؛ ج ۱، ص ۳۰۶ و نیز نک: شوستر، مورگان، اختناق ایران، ترجمهٔ ابوالحسن موسوی شوشتری، با تصحیح و مقدمه و حواشی و اسناد محرمانهٔ منتشرنشده در ایران توسط فرامرز برزگر و اسمعیل رائین (تهران: بنگاه مطبوعاتی صفی‌علیشاه، ۱۳۴۴)؛ صص ۲۱۳-۲۱۲؛ کسروی، همان؛ صص ۲۳۷-۲۳۶. برای اطلاع بیشتر، نک: میرمحمدصادق، سعید، گزیدهٔ اسناد اولتیماتوم روسیه به ایران (تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰).

به نظر می‌رسد تصمیم مجلس در تداوم دوره نمایندگی با موضوع اولتیماتوم بی‌ارتباط نبوده باشد. چنان‌که عبدالله مستوفی گفته است که روسیه برحسب تصادف یا تعمداً تاریخ ضرب‌الاجل را به‌گونه‌ای تنظیم کرده بود که با تعطیلی مجلس تطبیق می‌کرد.^۱ انتشار خبر اولتیماتوم، مردم ایران را به هیجان آورد و خشم و نفرت نسبت به روسیه را تا بالاترین حد افزایش داد. چون اساس کشور با خطر مواجه شده بود، مجلس، مطبوعات، فعالان و جریان‌های سیاسی با کنار نهادن اختلافات به مقاومت پرداختند. در تهران جمعی از مردم با شعار «یا مرگ یا استقلال» راهپیمایی کردند. مردم شهرهای دیگر نیز به خروش آمدند. کالاهای روسی و انگلیسی تحریم شد و چندین تجمع مخالفت‌آمیز برپا گردید.^۲ علمای عتبات به‌ویژه مازندارانی و خراسانی اسماعیل صدر، شیخ‌الشریعه اصفهانی و مصطفی کاشانی ضمن اعلان جهاد علیه روسیه،^۳ راه ایران را در پیش گرفتند که با مرگ خراسانی در ۲۱ آذر این سفر ناکام ماند.

مجلس با برگزاری نشست‌های طولانی، خواهان مقاومت در برابر روسیه و رد اولتیماتوم بود. در نتیجه، نمایندگان اعتدالی که اکثریت مجلس را در دست داشتند، از همراهی با دولت بیمناک شدند. این امر ناصرالملک و دولت را در وضعیت دشواری قرار داد. روزها گذشت و مجلس با شعار وطن خواهی، دولت را نزد افکار عمومی، بی‌اعتبار ساخت. عرصه چنان تنگ شد که حتی برخی از وزیران از کار کنار کشیدند و دولت تصمیم به استعفا گرفت و تنها با میانجی‌گری نایب‌السلطنه به فعالیت خود ادامه داد.^۴

دولت روسیه که هرگز انتظار چنین واکنش سرسختانه‌ای را از سوی مردم و مجلس ایران نداشت، لحن خود را اندکی تعدیل نمود و چند روز بعد از انقضای ضرب‌الاجل ۴۸ ساعته، شش روز دیگر به ایران فرصت داد تا پاسخ اولتیماتوم را بدهد. در این فاصله شش روزه مجلس کوتاه نیامد. انتشار اخبار خونریزی و بی‌رحمی روس‌ها در تبریز، رشت و انزلی و ایجاد وحشت در محافل تهران از یک سو، و اتمام حجت دولت به مجلس مبنی بر پذیرش اولتیماتوم از دیگر سو، سبب شد مهلت مقرر انقضا یابد. مجلس در آخرین نشست خود در روز ۲۹ آذر ۱۲۹۰ که تا نیمه‌های شب ادامه داشت، ناگزیر به تشکیل کمیته‌ای پنج نفره رأی داد تا اختیارات تصمیم‌گیری را به آن واگذار کند^۵ اما به علت تنش‌هایی که بر سر انتخاب اعضای کمیسیون در گرفت، مجلس، موفق به انتخاب رسمی اعضا نشد اما نمایندگانی که با این هدف انتخاب شدند، در منزل نایب‌السلطنه گرد آمدند و نیم ساعت قبل از انقضای مهلت مقرر، با اولتیماتوم موافقت نمودند و مراتب را شبانه به سفارت روسیه اعلام داشتند و به دنبال آن، مجلس منحل شد.^۶ علت اصرار نایب‌السلطنه

۱. مستوفی، همان؛ ج ۲، ص ۳۶۱.

۲. نک: روزنامه مجلس (مورخ ۱۲ ذی‌حجه ۱۳۲۹)؛ ص ۳.

۳. کدیور، محسن، سیاست‌نامه خراسانی؛ قطعات سیاسی در آثار آخوند ملاکاظم خراسانی صاحب کفایه (تهران: کویر، ۱۳۸۵)؛ صص ۳۰۲-۲۹۷. و نیز نک: تاریخ هجوم روس به ایران زمین و نهضت رؤسای دین به کاظمین و خدمات نمایان ایشان در حفظ استقلال ایران (مطبعة آداب بغداد، ۱۳۳۱هـ.ق.) و همچنین ترکمان، محمد، اسنادی درباره هجوم انگلیس و روس به ایران (۱۲۹۱-۱۲۸۷هـ.ش) (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰).

۴. دولت‌آبادی، سیدعلی محمد، خاطرات سیدعلی محمد دولت‌آبادی (تهران: فردوسی، ۱۳۶۲)؛ ص ۵۲.

۵. کسروی، همان؛ صص ۴۸۱-۴۸۰.

۶. دولت‌آبادی، سیدعلی محمد، همان؛ ص ۵۴.

در پذیرش اولتیماتوم از سوی مجلس این بود که پذیرش مسائل مهمی چون اولتیماتوم بدون تصویب مجلس، فاقد اهمیت قانونی بود.^۱

تردیدی نبود که از نگاه دولت صمصام‌السلطنه و ناصرالملک نایب‌السلطنه، انحلال مجلس، آخرین راه رفع بحران ناشی از اولتیماتوم و عادی‌سازی روابط ایران و روسیه بود؛ به همین خاطر، نایب‌السلطنه و دولت با تشکیل شورای عالی دربار، مجلس را منحل کردند.

انحلال مجلس از درون

پیش از آنکه انحلال رسمی مجلس به اجرا درآید، به ابتکار نایب‌السلطنه طرح انحلال مجلس از درون، ریخته شد؛ یعنی پس از رد قاطعانهٔ اولتیماتوم روسیه در مجلس که دقیقاً در نقطهٔ تعارض با سیاست‌های نایب‌السلطنه و دولت صمصام‌السلطنه قرار داشت، حدود ۲۰ تن از بی‌طرف‌ها و اعتدالیون مجلس درصدد استعفا از نمایندگی برآمدند تا مجلس از اکثریت بیفتد و دولت بتواند به مسئلهٔ اولتیماتوم پایان دهد. تردیدی نیست که ناصرالملک این اندیشه را به نمایندگان اعتدالی القا کرد تا با استعفای ناگهانی آنان مجلس قهراً منفصل شود.^۲ به گزارش کاتوزیان تهرانی، روز ۲۱ ذی‌حجه/ ۲۲ آذر، ۲۱ نفر از نمایندگان اعتدالی مجلس در اعتراض به اقدام دموکرات‌ها در براندازی کابینهٔ صمصام‌السلطنه و تشکیل کابینهٔ جدید استعفا نمودند.^۳ از این میان، سه نفر از نمایندگان از جمله شیخ علی خراسانی، حاجی میرزا رضاخان، حسین قلی‌خان مخبرالدوله رسماً استعفا دادند و بقیهٔ نمایندگان این گروه نیز نامهٔ استعفای خود را نوشتند تا در صحن علنی مجلس طرح شود اما به علت التهابات سیاسی و فشار افکار عمومی هرگز طرح نشد. محمدصادق طباطبایی، امام جمعهٔ خوئی و مدرس از زمرهٔ این شخصیت‌ها بودند. تعداد آن‌ها نزدیک به ۱۶ نفر بود که با استعفای آن‌ها مجلس از اکثریت می‌افتاد زیرا عدهٔ نمایندگان حاضر در مجلس ۷۴ نفر بود که با این استعفا از حد نصاب ۶۰ نفره کمتر می‌شد.^۴ در مقابل، نمایندگان دموکرات ضمن ابراز بی‌اعتمادی به کابینهٔ صمصام‌السلطنه وزیران پیشنهادی خود را انتخاب کردند که با دخالت ناصرالملک این تصمیم ناکام ماند.^۵

با مرگ خراسانی و برگزاری مراسم عزاداری باشکوه او - که در اعتراض به اولتیماتوم قصد داشت به تهران سفر کند - نمایندگان مستعفی زیر فشار کمیته‌های سری و افکار عمومی و روزنامه‌ها و شبنامه‌ها قرار گرفتند. در نتیجه، روز ۲۵ ذی‌حجه ۲۶ آذر با تشکیل یک جلسهٔ اضطراری و صدور بیانیه‌ای خود را به نام «اجتماعیون عامیون استقلال‌لیون ایران» معرفی کردند.^۶ بدین ترتیب، مجلس از رسمیت نیفتاد. جؤ ضدروسی چنان قدرتمند بود که نمایندگان مجلس با آنکه واقف بودند کشور، فاقد توان مالی، قوهٔ دفاعی و

۱. روزنامهٔ *حبل‌المتین* کلکته، ش: ۲۶ (مورخ ۱۷ محرم ۱۳۳۰).

۲. دهخوارقانی، رضا، *وقایع ناصری*، با مقدمهٔ علی سیاهپوش (تهران: دنیا، ۱۳۵۶)؛ صص ۱۰۲-۱۰۱.

۳. کاتوزیان تهرانی، همان؛ ص ۸۴۲.

۴. دولت‌آبادی، همان؛ صص ۳۵-۳۴.

۵. کاتوزیان تهرانی، همان؛ ص ۸۴۲.

۶. همان؛ ص ۸۴۶.

پشتیبانی خارجی است و در نشست‌های سری از پذیرش برخی از اصول اولتیماتوم و تمایز قائل شدن بین پیشنهادها سخن می‌گفتند اما هنگامی که به نشست عمومی می‌آمدند، براساس ذائقه عمومی در رد اولتیماتوم سخن می‌راندند و تقصیر را به گردن دیگران می‌انداختند تا خود را معصوم جلوه دهند.^۱

بدین ترتیب هرچند دولت و نایب‌السلطنه در تنگنای دشوار ناشی از فشارهای روسیه از یک سو و مخالفت‌های مجلس از دیگر سو قرار گرفته بودند اما طرح آن‌ها به منظور انحلال مجلس از درون، آشکارا شکست خورد زیرا نمایندگان هوادار دولت در آن فضای شدیداً ضدروسی که تنفر از تزارها تا بالاترین حد افزایش یافته بود، نمی‌توانستند به چنین ننگی تن دهند و روشن بود که استعفا از یک سو معنایی جز تسلیم در برابر اولتیماتوم نداشت و از سوی دیگر در تعارض با مصوبه امتداد دوره نمایندگی مجلس قرار داشت که اکثریت مجلس به آن رأی داده بودند و اکنون در شرایط اضطراری نمی‌توانستند از زیر آن شانه خالی کنند.

شرایط قانونی انحلال مجلس در قانون اساسی مشروطه

ماده ۴۸ قانون اساسی بر انحلال مجلس نظارت داشت؛ در این اصل آمده بود:

هرگاه مطلبی که از طرف وزیری پس از تنقیح و تصحیح در مجلس سنا به مجلس شورای ملی رجوع می‌شود، قبول نیافت، در صورت اهمیت، مجلس ثالثی مرکب از مجلس سنا و مجلس شورای ملی به حکم انتخاب اعضای دو مجلس و بالسویه تشکیل یافته و در ماده متنازع فیها رسیدگی می‌کند. نتیجه رأی این مجلس را در شورای ملی قرائت می‌کنند؛ اگر موافقت دست داد، فیها و الا شرح مطلب را به عرض ملوکانه می‌رسانند. هرگاه رأی مجلس شورای ملی را تصدیق فرمودند، مجری می‌شود و اگر تصدیق نفرمودند، امر به تجدید مذاکره و مذاقه خواهند فرمود و اگر باز اتفاق آراء حاصل نشد و مجلس سنا با اکثریت دو ثلث آراء، انفعال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند و هیئت وزرا هم جداگانه انفعال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند، فرمان همایونی در همان فرمان، حکم به تجدید انتخابات می‌فرمایند و مردم حق خواهند داشت منتخبان سابق را مجدداً انتخاب کنند.^۲

بنابراین ساز و کار انحلال مجلس بسیار پیچیده بود و تقریباً در شرایط آن روز ایران، امکان اجرای آن به دلایل زیر فراهم نبود:

- الف) بروز اختلاف بین مجلس سنا و شورای ملی؛
- ب) ناتوانی در حل این اختلاف و تشکیل مجلس ثالثی مرکب از منتخبان بالسویه دو مجلس (فقدان مجلس سنا تحقق این دو شرط را نیز ناممکن می‌ساخت)؛
- ج) مغایرت رأی شاه و مجلس شورای ملی؛
- د) درخواست اکثریت دو سوم سنا به انفعال مجلس؛
- هـ) درخواست هیئت وزیران از شاه برای انحلال مجلس؛
- و) فرمان شاه مبنی بر انحلال مجلس و (همزمان) تجدید انتخابات.

۱. همان؛ ص ۸۴۷ و نیز صص ۸۵۱-۸۵۰.

۲. نک: متن قانون اساسی مشروطه.

اگر نیک بنگریم یکی از شرایط اصلی تحقق انحلال مجلس شورای ملی، وجود مجلس سنا بود. از آنجا که مجلس اول با تشکیل مجلس سنا از اساس مخالفت کرد و تا سال ۱۳۲۸ شمسی مجلس سنا در ایران تشکیل نشد، شرط‌های ردیف «الف» و «ب» و «د» خود به خود منتفی گردید و شرط‌های «ج» و «ی» نیز امکان اجرا نداشت، در نتیجه اگر حکم قانون اساسی را بپذیریم کار نایب‌السلطنه غیرقانونی بود.

مجلس عالی دربار؛ ساز و کار انحلال رسمی مجلس

با توجه به اینکه در قانون اساسی مشروطه هیچ اصلی برای انحلال آسان مجلس و توی مصوبات آن پیش‌بینی نشده بود، دولت و نایب‌السلطنه به تنها راه حل متداول پس از مشروطه روی آوردند و آن تشکیل مجلس عالی دربار بود. مجلسی که در شرایط اضطراری و برای تصمیم‌گیری‌های فوری با حضور شخصیت‌های سیاسی بانفوذ، درباریان، اشراف و اعیان، روحانیون و بازرگانان بلندپایه، وزیران و نمایندگان پیشین مجلس شکل می‌گرفت. اما مسئله، این است که تا این زمان، مجلس عالی عمدتاً در غیاب مجلس یعنی در دوره‌ای که مجلس در صحنهٔ سیاسی حضور نداشت، تشکیل می‌شد و تصمیم آن به مثابه تصمیم مجلس شورای ملی اعتبار قانونی داشت اما اکنون مجلس فعالانه در صحنهٔ سیاسی حضور داشت و این مجلس عالی دربار باید در شرایط حضور مجلس شورای ملی تشکیل می‌شد که خود این موضوع، اصالت و اعتبار و نیز مشروعیت این نشست را زیر سؤال می‌برد. راه حل دولت، این بود که نمایندگان مجلس نیز به این نشست دعوت شوند تا در حضور آنها تصمیمات مقتضی اتخاذ گردد. اما آیا همهٔ نمایندگان باید دعوت می‌شدند یا گروه معدودی از آنها که خواهان پذیرش اولتیماتوم یا دست‌کم سکوت در برابر آن بودند؟ پاسخ، روشن است؛ آنها هیچ‌یک از دموکرات‌های مخالف اولتیماتوم را به این نشست دعوت نکردند تا مبادا این نشست حساس را با مخالفت‌خوانی‌های خود به چالش بکشند.

بدین ترتیب، نشست مجلس عالی دربار، روز دوم محرم ۱۳۰۰ مصادف با دوم دی ۱۲۹۰ برپا شد. در این نشست، نایب‌السلطنه، هیئت وزیران و جمعی از مقامات دولتی، روحانیون، بازاریان، درباریان، و ... حضور داشتند. ابتدا وزیر خارجه به عنوان نمایندهٔ دولت در نقد عملکرد مجلس به‌ویژه در تضعیف سیاست خارجی کشور سخن گفت. وثوق‌الدوله در این نطق، دموکرات‌های مجلس را به شورش و ایجاد ناامنی و کارشکنی در امور کشور متهم کرد. او در پایان، خواهان تغییر وضع شد و ادعا کرد که تغییر وضع با حضور نمایندگان مجلس ممکن نیست.^۱ وی سرانجام در طوماری که به امضای اعضای کابینه رسیده بود، خواهان انحلال مجلس شد. او گفت که چون در قانون اساسی، درخصوص تمدید مدت قانونی مجلس اشاره‌ای نشده است، تصمیم نمایندگان برای ادامهٔ نمایندگی خود پس از سپری شدن مدت قانونی فعالیت آن، امری غیرقانونی است. لذا پیشنهاد انحلال مجلس را به نایب‌السلطنه داد. نایب‌السلطنه که حوالی ظهر وارد مجلس شد نیز گفت که از روز ورودش به تهران تا امروز آنچه به عقلش رسیده، مکرر گفته است و تأکید نموده که ادامهٔ این ترتیب و این رویه برای کشور خطرناک است؛ باید یک نقشهٔ اساسی طرح کرد و مخاطرات را

۱. برای مشروح سخنان وثوق‌الدوله، نک: دولت‌آبادی، سیدعلی‌محمد، *خاطرات و ملاحظات*، به کوشش ایرج افشار (تهران: سخن، ۱۳۹۰)، ص ۵۶۶.

دفع نمود.^۱ ناصرالملک که با این سخنان درصدد زمینہ‌چینی استبداد خود بود، با طرح دولت مبنی بر انحلال مجلس موافقت کرد و انجام آن را بر عهدهٔ یپریم خان گذاشت.^۲

حال این پرسش مطرح است که اگر اقدام مجلس در امتداد دورهٔ نمایندگی، غیرقانونی بود، چرا هنگامی که مجلس این مصوبه را گذراند، دولت و نایب‌السلطنه نه تنها با آن مخالفت نکردند بلکه مشوق آن‌ها در این امر بودند؟^۳ اگر استدلال دولت را بپذیریم که فعالیت مجلس در این دوره اساساً غیرقانونی بوده است، پس تکلیف مصوبه‌های آن چیست؟ آیا مشورت دولت با مجلس برسر پذیرش اولتیماتوم و مسئلهٔ تشکیل کمیسیون پنج نفره از نمایندگان مجلس همراه با اختیارات تام برای مشورت با دولت در تدارک پاسخ به اولتیماتوم، یک منازعهٔ بی‌ثمر و فاقد ارزش قانونی نبوده است؟ اگر چنین است چرا از آن پس، دولت و نایب‌السلطنه و همهٔ فعالان سیاسی، اقدام دولت در پذیرش اولتیماتوم را به تشکیل کمیسیون پنج نفره از نمایندگان مجلس مستند می‌کردند؟

مسئلهٔ انحلال مجلس از نگاه برخی از منابع دورهٔ مشروطه

ابتدا نظر چند تن از هواداران انحلال مجلس را انعکاس می‌دهیم؛ عبدالله مستوفی با نگاهی بدبینانه به اقدامات نمایندگان دموکرات مجلس و مواضع آن‌ها بر این باور است که صرفاً انقضای دورهٔ نمایندگی مجلس، دلیل تعطیل شدن آن بوده است؛ از همین رو، او تجمعات بعدی نمایندگان دموکرات در میدان بهارستان را اقدامی غیرقانونی دانسته و می‌نویسد:

دموکرات‌ها در همان روزها هم نزد عوام این اقدامات قانونی دولت را به انحلال و بستن درب مجلس تعبیر می‌کردند، در صورتی که رفتار دولت، مطابق قانون بود.^۴

معیرالممالک می‌نویسد:

کاش این دارالشورا با این وکلا از اول باز نمی‌شد که هرچه در این چند سال در ایران وقوع یافت، نتیجهٔ افعال وکلای ناجور است.^۵

محمدولیخان تنکابنی نیز انحلال مجلس را قانونی دانسته است. به اعتقاد او ناصرالملک کشور را حدود دو ماه بدون وزیر نگاه داشت و به سفرای روس و انگلیس القا می‌کرد که شوستر و مجلس از وی حرف‌شنوی ندارند. او وکلای منفصل قانونی را گول زد تا آن‌ها به تمدید دورهٔ نمایندگی خود رأی دهند.^۶ تنکابنی هم‌چنین معتقد است نمایندگان ملت که خودشان را وکیل ملت کرده‌اند، بعد از اینکه

۱. دولت‌آبادی، سیدعلی محمد، *خاطرات و ملاحظات*، همان؛ ص ۵۶۰.

۲. کسروی، همان؛ ص ۴۸۱؛ سالور، قهرمان میرزا (عین‌السلطنه)، *خاطرات عین‌السلطنه*، ج ۵، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار (تهران: اساطیر، ۱۳۷۷)؛ ص ۳۶۲۸ و کاتوزیان تهرانی، همان؛ صص ۸۶۴-۸۵۷. و نیز هدایت، مهدیقلی‌خان، *طلوع مشروطیت*، به کوشش امیر اسماعیلی (تهران: جام، ۱۳۶۳)؛ صص ۱۵۹-۱۵۸.

۳. تنکابنی، همان؛ صص ۷۵-۷۴.

۴. مستوفی، همان؛ ص ۳۶۰.

۵. معیرالممالک، دوستعلی‌خان، *وقایع‌الزمان؛ خاطرات شکاریه*، به کوشش خدیجه نظام‌مافی (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱)؛ ص ۱۳۶.

۶. تنکابنی، همان؛ صص ۷۵-۷۴.

دورهٔ نمایندگی‌شان به لحاظ قانونی به پایان رسیده و منفصل شده‌اند، باز از ماهی صدتومان دست نکشیده و ایران را به باد داده و می‌گویند، با اکثریت آراء به خودمان رأی داده‌ایم و لذا هنوز وکیل هستیم.^۱ به طور کلی از جمع‌بندی دیدگاه موافقان انحلال مجلس که عمدتاً از هواداران دولت و شخص نایب‌السلطنه و یا بازماندگان جریان اعتدالیون مجلس دوم هستند، چنین بر می‌آید که دلایل آن‌ها در دفاع از انحلال مجلس در دو نکتهٔ مهم نهفته بود: نخست، پایان یافتن دورهٔ قانونی فعالیت مجلس دوم و دیگر، فقدان حق قانونی نمایندگان مجلس در امتداد دورهٔ نمایندگی.

اگر این استدلال‌ها را بپذیریم پس چرا دولت مجبور شد روز دوم محرم، نشستی باشکوه و با حضور کابینه و نایب‌السلطنه و برخی از نمایندگان مجلس منعقد کند و در آن، از ضرورت انحلال مجلس سخن براند و طرح انحلال مجلس را به ناصرالملک بدهد. حتی اگر دولت در این باره مُحق بود، چرا همهٔ بنیادهای مشروطه را برچید و کشور را به دورهٔ دیکتاتوری انداخت؟ و نیز چرا به سرکوب و تبعید روی آورد؟ در تقابل با نظرگاه‌های مطرح شده، برخی از منابع تاریخ‌نگارانهٔ آن دوران، انحلال مجلس را به مثابه یک کودتا تلقی کرده‌اند. یکی از این افراد، مهدی ملک‌زاده است؛ از نگاه او طبق قانون اساسی، نه شاه و نه دولت، حق انحلال مجلس را نداشتند و برای این منظور با استناد به اینکه دورهٔ دو سالهٔ مجلس به پایان رسیده، آن را با دستور نایب‌السلطنه منحل کردند.^۲ حسن حلاج معتقد است، در پی اولتیماتوم روسیه و پشتیبانی دولت انگلیس از این امر، ناصرالملک از فرصت استفاده نمود و مجلس دوم را به انتها نرسیده با تدابیر مخصوصه منحل نمود.^۳ ادیب هروی می‌نویسد:

کابینه‌ای که از طرق عدیده، معزول شده بود، مجبور به به کار بردن یک ضرب دست برخلاف مجلس شد.

و نمایندگان مجلس را با فشار نظامی اخراج کرد.^۴ در کتاب کشف تلبیس نیز آمده است که مجلس را جبراً تعطیل کردند و مجامع علنی و بسیاری از روزنامه‌ها را بستند.^۵

از نگاه بسیاری از پژوهشگران جدید نیز اقدام دولت در انحلال مجلس چیزی جز یک کودتا نبود. سهراب یزدانی معتقد است، حتی اگر دولت در بستن مجلس مُحق بود، اعمالی که در زمینهٔ تعطیلی نهادهای قانونی و محدودیت آزادی‌های مدنی و سرکوب مخالفان انجام داد، حرکتش را به صورت کودتا درآورد. کودتای بختیاری که با انگیزهٔ بازگرداندن محمدعلی شاه پیشتر توسط بختیاری‌ها طراحی شده بود، اینک به شکل دیگری به اجرا درآمد.^۶ به باور عبدالحسین نوائی مجلس دوم را ناصرالملک کینه‌ورز به دست پیرم‌خان به زنجیر کشید و از میان برد.^۷ منصوره اتحادیه نیز بستن مجلس را به مثابه کودتا تلقی کرده است. به اعتقاد او باز شدن مجلس تا مدت‌ها منتفی بود چون هم دولت و هم روس و انگلیس در

۱. همان؛ ص ۷۵.

۲. ملک‌زاده، همان؛ ج ۶ و ۷، ص ۱۴۷۰.

۳. مدیرحلاج، حسن، تاریخ نهضت ایران (تهران: سلیمی، ۱۳۱۲)؛ ص ۶۹.

۴. ادیب هروی، محمدحسن، تاریخ پیدایش مشروطیت ایران (مشهد: شرکت چاپخانهٔ خراسان، ۱۳۳۱)؛ ص ۲۷۴.

۵. کشف تلبیس؛ دورویی و نیرنگ انگلیس (برلین: انتشارات کاوه، ۱۳۳۶ هـ.ق.)؛ ص ۳۲.

۶. یزدانی، همان؛ صص ۲۶۷ و ۲۷۶.

۷. نوائی، عبدالحسین، دولت‌های ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم (تهران: بابک، ۱۳۵۵)؛ ص ۲۸۹.

غیاب مجلس، بر صحنه سیاست ایران تسلط داشتند و از بازگشایی مجلس جلوگیری می‌کردند. ناصرالملک و صمصام‌السلطنه هم از تعطیلی مجلس خرسند بودند تا از انتقادات آن در امان بمانند. بنابراین علی‌رغم صدور فرمان انتخابات، اقدام جدی در مسیر بازگشایی مجلس صورت نگرفت.^۱

علت اصلی انحلال مجلس

پس از موافقت مجلس با تشکیل کمیسیون پنج نفره، دیگر مجلس نه جلسه سری داشت و نه علنی. اما نمایندگان هم‌چنان به عمارت مجلس آمدوشد داشتند. روز ۲ محرم/ ۲ دی ۱۲۹۰ مؤتمن‌الملک نمایندگان را به مجلس دعوت کرد اما در کمال ناباوری در حالی که نمایندگان منتظر رئیس بودند، ناگاه نظامیان درب مجلس را بستند و اعلام کردند که ناصرالملک فرمان انحلال مجلس را صادر کرده است.^۲ گفته می‌شود رئیس مجلس که زودتر به قضیه پی برده بود، همان روز صبح به مجلس رفت و کاغذهای خود را مرتب نمود و استعفای خود را روی میز نهاد و از معاون اداری مجلس خواست تا نمایندگان را دعوت نموده و استعفای او را برای آن‌ها بخواند؛ او نیز چنین کرد.^۳

درباره علت انحلال مجلس تاکنون گمانه‌زنی‌ها و تحلیل‌های فراوانی صورت گرفته است. تردیدی نیست که بسته شدن درب مجلس دوم مانند مجلس اول، یک بمباران یا کودتا بود؛ با این تفاوت که بمباران اول تحقیقی بود و این تقدیری؛ یعنی اولی با ایستادگی تعطیل شد و دومی بدون ایستادگی. در مجلس اول، روسیه مستقیماً دخالتی نداشت اما در موضوع مجلس دوم، دخالت مستقیم داشت؛ به همین خاطر نمایندگان مقاومت را به صلاح ندانستند زیرا ممکن بود به یک بمباران خونین‌تر منجر شود.^۴ دهخوارقانی نماینده دموکرات و از مخالفان سرسخت اولتیماتوم روسیه، علت بسته شدن مجلس را به این مسئله نسبت می‌دهد که بزرگان مجلس، خیانت ناصرالملک و کابینه را حس نموده و نسبت به آن ابراز تنفر کرده بودند. اگر مجلس بسته نمی‌شد یقیناً هم ناصرالملک را از مقامش عزل می‌کرد و هم کابینه را تغییر می‌داد و این معنا را هم ناصرالملک و هم کابینه به درستی درک کرده بودند و نیز علت آنکه سردار اسعد به آن‌ها پیوست، این بود که نمی‌خواست حکومت از دست بختیاری‌ها خارج شود.^۵

بنابراین، همان‌گونه که دولت‌آبادی به درستی تحلیل کرده است، کار انحلال مجلس، امری قطعی بود زیرا امکان نداشت که در حضور این مجلس، پاسخی مناسب به روسیه داده شود. در نتیجه نایب‌السلطنه مجلس را منحل نمود و در تهران حکومت نظامی برپا ساخت و پس از آن پاسخ اولتیماتوم را داد.^۶ برخی از نمایندگان مجلس دوم، تعلل مجلس در انتخاب کمیسیون ۵ نفره و مخالفت مجلس با هرگونه سازش را

۱. اتحادیه، منصوره، مجلس و انتخابات؛ از مشروطه تا پایان قاجاریه (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۵، چاپ اول)؛ صص ۱۵۴-۱۵۳.

۲. دهخوارقانی، همان؛ صص ۱۰۹.

۳. دولت‌آبادی، سیدعلی محمد، خاطرات و ملاحظات، همان؛ صص ۵۶۸.

۴. دهخوارقانی، همان؛ صص ۱۱۱-۱۱۰.

۵. همان؛ صص ۱۱۲-۱۱۱.

۶. دولت‌آبادی، یحیی، همان؛ ج ۳، صص ۱۹۷.

علت انحلال مجلس دانسته‌اند.^۱ بررسی شواهد نیز نشانگر این است که تزلزل جایگاه رئیس کابینه و مقام نیابت سلطنت از موقعیت خود پس از سلب اعتماد مجلس و هم‌چنین سرسختی مجلس در برابر سازش یا سکوت در برابر روسیه - که در تعارض آشکار با سیاست دولت و نایب‌السلطنه قرار داشت - علت اصلی انحلال مجلس دوم بود که پس از پذیرش اولتیماتوم، به صورت یک اقدام پیش‌دستانه به اجرا درآمد.

آیا همهٔ نمایندگان به انحلال مجلس گردن نهادند؟

در برخی از منابع آن دوران آمده است که پس از سخنرانی وزیر خارجه در مجلس عالی دربار مبنی بر پذیرش اولتیماتوم و انحلال مجلس، چون هیچ واکنش مخالفت‌آمیزی صورت نگرفت، دستخط انحلال مجلس صادر شد؛^۲ حال آنکه این عدم واکنش، ناشی از عدم حضور نمایندگان دموکرات در این جلسه بود. درواقع، نشست عالی دربار، یک نشست مهندسی شده و از پیش طراحی شده برای انحلال مجلس به نظر می‌رسید و برای جلوگیری از ابراز خشم دموکرات‌ها هیچ یک از ایشان به این جلسه دعوت نشدند.^۳ تردیدی نیست که اگر آن‌ها حضور داشتند، به این تصمیم شدیداً واکنش نشان می‌دادند و مانع از تصویب طرح انحلال مجلس و پذیرش اولتیماتوم می‌شدند.

هنگامی که خبر انحلال مجلس در سراسر کشور پراکنده شد، مردم را به واکنش واداشت. اقشار مختلف مردم در برابر مجلس گرد آمدند و خواهان ایستادگی شدند. نمایندگان مخالف اولتیماتوم نیز در این تجمعات به سخنرانی پرداخته و مردم را به مقاومت دعوت کردند. حتی آن‌ها کوشیدند یکدیگر را به طور محرمانه مطلع نموده و در خانهٔ منیرالسلطان که تالار بزرگی داشت، جلسات مجلس را تشکیل دهند اما با توجه به مقررات شدید حکومت نظامی، تعداد آن‌ها به حد نصاب نرسید. لذا پس از چند سخنرانی به سوی بازار روانه شدند و به تهییج مردم پرداختند^۴ زیرا نمایندگان دموکرات مجلس، دولت را واجد حق انحلال مجلس نمی‌دانستند.^۵

این نمایندگان با برپایی نشست‌های مختلف نسبت به این امر اعتراض کردند. آن‌ها معتقد بودند که هرچند دورهٔ قانونی فعالیت مجلس، منقضی شده بود اما با استناد به موافقت انجمن‌های ایالتی و ولایتی و شرایط اضطراری کشور، مجلس ابقا شد و ناصرالملک و وزیران تا روز بسته شدن مجلس آن را به رسمیت شناخته و دستخط به آن می‌فرستادند و کارهای مهم را به مجلس ارجاع می‌دادند. اگر غیرقانونی بود، این‌گونه اقدامات چه معنایی داشت؟

۱. اردلان، امان‌الله، *خاطرات حاج عزالممالک اردلان؛ زندگانی در دوران شش پادشاه*، تنظیم و تحشیهٔ باقر عاقلی (تهران: نشر نامک، ۱۳۷۲)، چاپ اول؛ ص ۶۳.

۲. هدایت، همان؛ صص ۱۵۹-۱۵۸.

۳. آفاری، ژانت، *انقلاب مشروطیت ایران (۱۹۱۱-۱۹۰۶م/۱۲۹۰-۱۲۸۵هـ.ش)*، ترجمهٔ رضا رضایی (تهران: نشر بیستون، ۱۳۷۹)، چاپ اول؛ ص ۴۳۱.

۴. همان؛ ص ۴۹۱.

۵. دولت‌آبادی، سیدعلی محمد، *خاطرات سیدعلی محمد دولت‌آبادی*، همان؛ ص ۵۵.

پس از انحلال مجلس بیش از ۴۰ تن از نمایندگان با تهیه طوماری نسبت به انحلال غیرقانونی مجلس اعتراض کردند و آن را غیرقانونی خواندند. آن‌ها متن طومار خود را در نقاط مختلف کشور انتشار دادند.^۱ به هرحال هنگامی که صدای اعتراض نمایندگان دموکرات بالا گرفت، روز ششم محرم و ثوق الدوله برخی از نمایندگان معترض و امضاکننده طومار را به کاخ ایض دعوت کرد. در این نشست که با حضور ناصرالملک برگزار شد، بار دیگر مشاجره و اعتراض در گرفت.^۲

هرچند قصد ناصرالملک دلجویی از نمایندگان معترض بود اما دموکرات‌ها از اعتراض باز نایستادند. خیابانی گفت که اگر امتداد مجلس قانونی نبود، چرا کارهای مهمی چون اولتیماتوم، درخواست اختیارات وزیران، تشکیل کمیسیون منتخب و نامه استعفای ناصرالملک در آن مطرح شد؟ معنای این اقدام‌ها چیست؟ و اگر قانونی بود، قانون اساسی به ناصرالملک اجازه انحلال آن را نمی‌داد.^۳

دهخوارقانی در همان نشست به ناصرالملک گفت که در تمام دنیا تمديد نمایندگان رخ داده و در شرایط فوق‌العاده نمایندگان خود را ابقا می‌کنند. در ایران هم دولت و هم نایب‌السلطنه آن را تصدیق کردند و امور متعددی را به آن ارجاع دادند. از این گذشته، نایب‌السلطنه چندی پس از تصمیم مجلس در خصوص امتداد دوره فعالیتش استعفای خود را به مجلس فرستاد و این استعفا رسماً در یک جلسه غیرعلنی خوانده شد. به همین خاطر، با استعفای ناصرالملک او نمی‌تواند حتی به فرض داشتن حق انحلال مجلس، آن را منحل کند اما ناصرالملک که انتظار این سخن را نداشت، از حاضران پرسید که آیا او را مستعفی می‌دانند؟ همه هوادارن او، استعفای وی را انکار کردند. حتی ناصرالملک در همان جلسه، رأی‌گیری کرد که همه به او رأی دادند اما دهخوارقانی به علت غیررسمی بودن جلسه، نتیجه این رأی‌گیری را نپذیرفت و این مشاجره‌ها ادامه یافت و نایب‌السلطنه هرگز نتوانست نمایندگان معترض را به تمکین و پذیرش وادارد، لذا ناگزیر در برابر استدلال‌های آن‌ها به روش‌های دیگر توسل جست تا صدای آنان را خاموش سازد.^۴

افزون بر مجلس، برخی از علما نیز با انحلال مجلس مخالفت کردند؛ چنانکه آقاجنقی در واکنش به این امر، چند تلگراف اعتراضی به نایب‌السلطنه فرستاد و این اقدام را به منزله بی‌اعتنایی دولت به اراده ملت دانست و گفت اگر کشور، مشروطه است و تمام کشور در هیجان و تزلزل است، باید مطابق با تصویب مجلس، دوره نمایندگی تداوم می‌یافت، در حالی که دولت با تسلیم شدن در برابر «اولتیماتوم اسلام بر باد ده»، مجلس را منحل کرده است.^۵

۱. دهخوارقانی، همان؛ صص ۱۱۳-۱۱۲.

۲. همان؛ صص ۱۱۵-۱۱۴.

۳. همان؛ صص ۱۱۹-۱۱۶.

۴. برای تفصیل بیشتر، نک: همان؛ صص ۱۴۷-۱۲۵.

۵. نجفی، موسی، حکم نافذ آقاجنقی مرجع شهیر بیداری اسلامی در اصفهان (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۰)؛

صص ۱۳۳-۱۳۲.

پایامد انحلال مجلس؛ پایان مشروطیت یا تداوم آن؟

گویی هدف اولتیماتوم از بین بردن نظام مشروطه یا حداقل محدود کردن آن و چیرگی بر دولت ایران بود. روسیه، خواهان کاهش جایگاه مجلس در حد یک مجمع قانون‌گذاری و تشکیل مجلس سنا و افزایش اقتدار نایب‌السلطنه و نیز به رسمیت شناختن قرارداد ۱۹۰۷ از سوی ایران بود.^۱ در واقع، با اشغال کلوب حزب دموکرات که مهم‌ترین کانون مقاومت بود، نمایندگان مخالف اولتیماتوم، اعم از اعتدالی و دموکرات، دستگیر، بازداشت و تبعید شدند. رونامه‌ها و محافل آن‌ها نیز تعطیل گردید.^۲

با پذیرش اولتیماتوم روسیه و اخراج شوستر، هم دموکرات‌ها از تب و تاب افتادند و هم آزادی‌های سیاسی به شدت محدود شد. از همان روز دوم دی ۱۲۹۰ در تهران حکومت نظامی برقرار گردید. حزب دموکرات، منحل و روزنامه‌ها توقیف شدند. چند تن از رهبران دموکرات مانند سلیمان میرزا، سیدجلیل اردبیلی، دستگیر شده و به تبعید رفتند. افزون بر دموکرات‌ها مستعان‌الملک رهبر «اتفاق و ترقی» - جریان مؤتلف با اعتدالیون - سردار محیی، میرزا کریم‌خان، عمیدالسلطان و ناصرالاسلام که به اعتدالیون نزدیک بودند نیز روانهٔ تبعید شدند. بدین ترتیب، با تعطیلی کلیهٔ نهادهای مدنی و سرکوب مخالفان، عملاً یک کودتا به اجرا درآمد و به تعبیر کسروی، دستگاه مشروطه برچیده شد.^۳

مجلس، مطبوعات و احزاب، سه سال در فترت ماندند و قدرت انحصاراً در دست ناصرالملک قرار گرفت. از همین رو، این دوره را دورهٔ استبداد ناصرالملکی خوانده‌اند. در این زمان زمامداران متحجری به صحنه بازگشتند که یا با مشروطه مخالف بودند و یا از مشروطیتی محدود پشتیبانی می‌کردند. در چنین فضایی دو دولت روس و انگلیس، بر دامنهٔ نفوذ خود افزودند و در پیوند با سیاستمداران محافظه‌کار عملاً قرارداد ۱۹۰۷ را به اجرا درآوردند.^۴

در دورهٔ فترت، ناصرالملک و محمودلی خان تنکابنی و همدستان آن‌ها که از تحرک جریان فکری تندرو مشروطه به هراس افتاده بودند، قصد داشتند مشروطیت را به صورت قانونی به سود طبقات بالای جامعه مصادره نموده و دموکراسی را ناکام بگذارند و انتخابات مجلس را خصوصی و دودرجه‌ای نمایند. آن‌ها نشست‌هایی برپا کردند و نظام‌نامه‌ای نیز به همین منظور تهیه شد و در نشست عالی دربار قرائت گردید که با واکنش شدید حاضران همراه شد و تلگراف‌های شدیدی از تبریز و اصفهان و ولایات دیگر به او رسید و او را از ادامهٔ این مسیر بازداشت.^۵

به تعبیر علی آذری، با بستن مجلس، دشمنان آزادی، نوزاد دموکراسی ایران را به فترت دچار ساختند و مجلس را بستند تا زمینهٔ حکومت مقتدر، آن‌گونه که وثوق‌الدوله گفته بود، فراهم آید و عوامل استبداد

۱. یزدانی، همان؛ ص ۲۶۷.

۲. ملک‌زاده، همان؛ ج ۷، ص ۱۴۷۵.

۳. کسروی، همان؛ ص ۴۸۲.

۴. برای اطلاع بیشتر، نک: یلفانی، رامین، *زندگانی سیاسی ناصرالملک* (تهران: مؤسسهٔ مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۶).

۵. مدیرحلاج، همان؛ صص ۶۹-۷۱.

بدون نظارت قانون به استبدادگری بپردازند^۱ و درواقع به تعبیر کاظم‌زاده، دولت ایران به صورت اسمی بدون مسمی درآمد^۲.

نتیجه

ماجرای اولتیماتوم ۱۹۱۱ روسیه به ایران از مسائل بحث‌انگیز و پُرابهام تاریخ مشروطه ایران است که هم‌چنان نیازمند بازخوانی است. مجلس دوم در شرایط اضطراری و با استنادهای حقوقی و با اقامه دلایل مشروع سیاسی و با پشتیبانی بالاترین مسئولان اجرایی (رئیس دولت و نایب‌السلطنه) به امتداد نمایندگی خود تا ورود نصف به‌علاوه یک نمایندگان مجلس سوم - که قرار بود انتخابات آن بی‌درنگ آغاز شود - رأی داد. از آن‌جا که این تصمیم به علت مواضع ضداستعماری و مستقل نمایندگان مجلس در تعارض با منافع روسیه قرار داشت، بی‌درنگ با اولتیماتوم روسیه مواجه شد و بار دیگر، وحشت ناشی از اشغال قریب‌الوقوع کشور بر مسئولان کشور سایه انداخت. همین امر، دولت و نایب‌السلطنه را واداشت تا مجلس را برای پذیرش اولتیماتوم زیر فشار بگذارند اما مجلس سرسختانه در برابر آن مقاومت کرد. در نتیجه، دولت و نایب‌السلطنه که هم اعتماد مجلس را از دست داده بودند و هم ممکن بود به‌زودی با مداخله مجلس برکنار شوند، با اقدام پیش‌دستانه خود مجلس را منحل کردند و با اعلان حکومت نظامی و استقرار فضای سرکوب و تهدید، نه تنها مجلس بلکه مشروطیت را برچیدند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. آذری، علی، قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز (تهران: صفی‌علیشاه، ۱۳۶۳، چاپ چهارم)؛ ص ۸۱.
۲. کاظم‌زاده، فیروز، روس و انگلیس در ایران ۱۹۱۴ - ۱۸۱۴؛ پژوهشی درباره امپریالیسم، ترجمه منوچهر امیری (تهران: انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، چاپ چهارم)؛ ص ۶۱۹.

کتابنامه

- آذری، علی، قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز (تهران: صفی‌علیشاه، ۱۳۶۳، چاپ چهارم).
- آفاری، ژانت، *انقلاب مشروطیت ایران (۱۹۱۱-۱۹۰۶ م. / ۱۲۹۰-۱۲۸۵ هـ.ش)*، ترجمهٔ رضا رضایی (تهران: نشر بیستون، ۱۳۷۹، چاپ اول).
- آوری، پیتر، *تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقراض سلسلهٔ قاجاریه*، ترجمهٔ محمد رفیعی‌مهرآبادی (تهران: عطایی، ۱۳۷۹، چاپ پنجم).
- اتحادیه، منصوره، *مجلس و انتخابات؛ از مشروطه تا پایان قاجاریه* (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۵، چاپ اول).
- ادیب هروی، محمدحسن، *تاریخ پیدایش مشروطیت ایران* (مشهد: شرکت چاپخانهٔ خراسان، ۱۳۳۱).
- اردلان، امان‌الله، *خاطرات حاج عز‌الممالک اردلان؛ زندگانی در دوران شش پادشاه*، تنظیم و تحشیهٔ باقر عاقلی (تهران: نشر نامک، ۱۳۷۲، چاپ اول).
- تاریخ هجوم روس به ایران زمین و نهضت رؤسای دین به کاظمین و خدمات نمایان ایشان در حفظ استقلال ایران* (مطبعةٔ آداب بغداد، ۱۳۳۱ هـ.ق).
- ترکمان، محمد، *اسنادی دربارهٔ هجوم انگلیس و روس به ایران (۱۲۹۱-۱۲۸۷ هـ.ش)* (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰).
- تنکابنی، محمودلی‌خان، *یادداشت‌های محمودلی‌خان تنکابنی (سپهسالار اعظم)*، به تصحیح اللهیار خلعتبری و فضل‌الله ایرجی کجوری (تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷).
- دولت‌آبادی، سیدعلی محمد، *خاطرات سیدعلی محمد دولت‌آبادی* (تهران: فردوسی، ۱۳۶۲).
- _____، *خاطرات و ملاحظات*، به کوشش ایرج افشار (تهران: سخن، ۱۳۹۰).
- دولت‌آبادی، یحیی، *حیات یحیی* (تهران: عطار و فردوسی، ۱۳۶۲).
- دهخوارقانی، رضا، *وقایع ناصری*، با مقدمهٔ علی سیاهپوش (تهران: دنیا، ۱۳۵۶).
- سالور، قهرمان میرزا (عین‌السلطنه)، *خاطرات عین‌السلطنه*، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار (تهران: اساطیر، ۱۳۷۷).
- شوستر، مورگان، *اختناق ایران*، ترجمهٔ ابوالحسن موسوی شوشتری، با تصحیح و مقدمه و حواشی و اسناد محرمانهٔ منتشرنشده در ایران توسط فرامرز برزگر و اسمعیل رائین (تهران: بنگاه مطبوعاتی صفی‌علیشاه، ۱۳۴۴).
- کاتوزیان تهرانی، محمدعلی، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، با مقدمهٔ ناصر کاتوزیان (تهران: انتشار، ۱۳۷۹).
- کاظم‌زاده، فیروز، *روس و انگلیس در ایران ۱۹۱۴-۱۸۱۴؛ پژوهشی دربارهٔ امپریالیسم*، ترجمهٔ منوچهر امیری (تهران: انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، چاپ چهارم).
- کدیور، محسن، *سیاست‌نامهٔ خراسانی؛ قطعات سیاسی در آثار آخوند ملاکاظم خراسانی صاحب کفایه* (تهران: کویر، ۱۳۸۵).
- کسروی، احمد، *تاریخ هجده سالهٔ آذربایجان* (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱).
- _____، *کشف تلبیس؛ دورویی و نیرنگ انگلیس* (برلین: انتشارات کاوه، ۱۳۳۶ هـ.ق).
- مدیرحلاج، حسن، *تاریخ نهضت ایران* (تهران: سلیمی، ۱۳۱۲).
- مستوفی، عبدالله، *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دورهٔ قاجاریه* (تهران: زوّار، ۱۳۷۱).
- معیرالممالک، دوستعلی خان، *وقایع‌الزمان؛ خاطرات شکاریه*، به کوشش خدیجه نظام‌مافی (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱).
- مکی، حسین، *مدت‌رس، قهرمان آزادی* (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۸).
- ملک‌زاده، مهدی، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران* (تهران: علمی، ۱۳۷۱).
- میرمحمدصادق، سعید، *گزیدهٔ اسناد اولتیماتوم روسیه به ایران* (تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰).
- نجفی، موسی، *حکم نافذ آقاجقی مرجع شهیر بیداری اسلامی در اصفهان* (تهران: مؤسسهٔ مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۰).
- نوائی، عبدالحسین، *دولت‌های ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم* (تهران: بابک، ۱۳۵۵).
- هدایت، مهدیقلی خان، *طلوع مشروطیت*، به کوشش امیر اسماعیلی (تهران: جام، ۱۳۶۳).
- یزدانی، سهراب، *مجاهدان مشروطه* (تهران: نی، ۱۳۸۸).
- یلفانی، رامین، *زندگانی سیاسی ناصرالملک* (تهران: مؤسسهٔ مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۶).

اسناد و مطبوعات

- روزنامه حبل‌المتین کلکته، ش: ۲۶ (مورخ ۱۷ محرم ۱۳۳۰).
روزنامه مجلس (مورخ ۱۲ ذی‌حجه ۱۳۲۹).
روزنامه مجلس (مورخ دوشنبه ۲۱ ذی‌قعدة ۱۳۲۹).
روزنامه مجلس (مورخ سه‌شنبه ۲۲ ذی‌قعدة ۱۳۲۹).
مجموعه قوانین و مقررات عصر مشروطه (تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸).
مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی.

